روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ جمعه یازدهم شهر ربیع الثانی مطابق سال ایت ئیل سنه ۱۲۶۱

نمره دویم

قیمت روزنامچه از قرار یکعدد در یک هفته پانصد دینار است که در سال دو تومان و چهار هزار دینار میشود



اخبارات داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

درین سال هوای زمستان دار الخلافه طهران در شدت سرما بخلاف سالهای گذشته بود و بخدی برف و بارندگی واقع شده که کمتر وقتی اینطور اتفاق افتاده بود از اول زمستان تا اینهفته مکرر برفهای نافع بوقت آمد و هوا بشدت برودت داشت لکن بحمد الله تعالی از اول اینهفته چنان هوائی شده است که در دو سه روز برف بآن کثرت از اطراف و حوالی خوش دار الخلافه طهران رفت و حالا هوا بقسمی خوب و خوش میگذرد که میان روز در برابر آفتاب کم میتوان ایستاد مثل اوایل بهار است و کمال خوبی و اعتدال در هوا ها حاصل است که عساکر نظام در میدان ارک مشغول مشق هستند

از آنجا که اهتمام اولیای دولت جاویدایت علیه آن است که صنایع بدیعه در ممالک محروسه پادشاهی بظهور آید از جمله سابق برین اهتمام و توجه در ساختن ظروف چینی نمودند که سابقا ساخته بودند مشابهت در لون و قوار بچینی داشتند لکن اصل خمیره بپای چینی نرسیده و در هفته گذشته ساخته بودند که در همه چیز شباهت تام بظرف چینی داشت قاب و قدحهای بزرگ و سایر اقسام چینیهای خوب ساخته شده لهذا حکم شد که کارخانه خوب بزرگ درمیان ارک دار الخلافه طهران ساخته شود که استادان در آنجا آمده مشغول شوند و عنقریب انشاء الله ظروف چینی خوب از کارخانه بیرون می آید بحدیکه کفایت کند و در قیمت بمراتب از چینی مناسب تر تمام میشود

در دار الایمان قم کارخانه بلورسازی بنا گذارده بودند لکن بطوریکه مطلوب باشد بعمل نیامده بود تا در هفته گذشته از توجه و اهتمام اولیای دولت جاویدایت بلور آلات ساده که در آنجا بعمل آورده بودند بطوریکه قلیان ساده و کیلاسهای چراغ که در آنجا ساخته بودند هیچ از بلور تمیز داده نمی شد از دیوان اعلی تنخواه و اخراجات دادند که رفته سعی نمایند لاله و مردنگی و سایر چیزهائی که قدری تفاوت جزئی داشت خوب بعمل بیاورند

ضعیفه طهرانی زردوزی دوره ملبوس صاحب منصب نظامی را بقاعده روم دوخته و در کمال خوبی بعمل آورد که درین هفته بنظر اولیای دولت علیه رساند بطوریست که مطلقا با کار اسلامبولی امتیاز داده نمیشود اولیای دولت علیه حکم فرمودند که شاگرد بسیار نگاهدارد و تا مدت پنجسال احدی در عمل او شراکت ننماید

در مازندران شال چوخای پشمین بجهة ملبوس خود میبافند و چندان
در جای دیگر بفروش نمیرسد و آنقدر خوب هم نمیشود لکن اولیای دولت
قاهره حکم فرمودند که باهتمام نوّاب مهدیقلی میرزا حاکم مازندران
ازان شال بسیار خوش قماش و زیبا دبافته سُرمه رنگ کرده ملبوس
برای قشون نظامی دوخته قماش و رنگ او بنوعی هست که در قماش
همه کس تصدیق برین دارد که از ماهوتهای وسط پُردوام و لطیف
تر است و در رنگ مُطلقا معلوم نمیشود که ماهوت است یا شال
تا حال بقدر دو هزار ثوب کلیجه نظامی ازین شال دوخته شده و حکم شد
که سالی پانزده هزار ثوب کلیجه نظام ازشال مزبور بدوزند و قیمه آن بهمه
جهة هر ثوبی چهار هزار دینار چیزی بالا میشود
برای ملبوس تابستانی قشون نظام اولیای دولت علیّه بطوری قرار داده اند
که خواه کلیجه و خواه شلوار از قماشه خودایران دوخته شود تا حال از بابت هزار
دست متجاوز دوخته شده و حکم شده است سالی پنجاه هزار دست در
طهران و اصفهان بدوزند و همینی باعث رفاه رعیت و آبادی مملکت
خواهد بود و همواره منظور نظر و مکنون خاطر اولیای دولت قوی شوکت
علیّه آنست که عموم ارباب حرفه و صنعت در شغل و کسب خود ترقی
داشته باشند و هر یک صنایع بدیعه که بکار آید احداث کنند مورد
نوازش و التفات میشوند
بتاریخ دوشنبه هشتم همین ماه حکومت اردبیل را بعالیجاه محمدرضاخان
قاجار که در دیوانخانه مبارکه مشغول خدمت بود مرحمت فرمودند
و این روزها خواهد رفت
در تاریخ فوق عالیجاه محمدحسن خان نوری بحکومت مشکین و ایلات آنجا
مامور شد
در تاریخ مزبور عالیجاه قاسم خان قاجار چرچی باشی مامور بحکومت
قراجه داغ شد
چون بکرات از آینده و رونده مسموع اولیای دولت علیّه شده بود

که در محال فومن من اعمال گیلان ستم شریکی در تقسیم مالیات آنجاست
که باعث شکستگی و خرابی بعضی دهات شده است لهذا مخصص ملاحظه رفاه
و آسودگی رعیت عالیجاه میرزا زین العابدین تبریزی را مامور فرمودند
که رفته از روی وقت رسیدگی نموده مالیات آنجا را تعدیل نماید که رفع
ستم شریکی شود و هر جا در خور گنجایش خود مالیات دیوانی را ادا
نماید
از آنجا که در سنوات ماضیه از گیلان عموما صادرات بسیار که
اضافه بر مالیات بیشد حکّام و مباشرین میگرفتند و باین واسطه
رعایا همیشه پریشان و بی سامان بودند از ابتدای هذه السنه اولیای
دولت قرار دادند که زیاده از تومانی یکهزار و پانصد دینار صادر که
صرف مخارج ولایتی و حاکم و متردّدین میشود از اهالی گیلان و همچنین
از اهالی طالش که ابواب جمع حکومتی گیلان هستند زیاده از یکهزار دینار
نشود عالیجاه میرزا زین العابدین که مامور آن صفحات شد حکم نمودند
که رسیدگی کند و از رعیت تحقیق نماید ازین زیادتر اگر از رعیت گرفته
باشند مشخص نماید و ابلاغ این حکم را بعموم اهالی گیلان و طالش نماید
که زیاده از مبلغ مسطور صادر ندهند تا موجب رفاه و آسایش
بوده در مهدامان استراحت جویند و مشغول کسب و کشتی خود
باشند که انشاءالله روز بروز آبادی رو بازدیاد شود
عالیجاه میرزا هدایت الله از جانب دیوان اعلی مامور شد که رفته بعمل
حکومت و داد و ستد و لایتی و مالیاتی صاین قلعه برسد که اگر
اجحافی بر رعیت حاصل آید مشخص نموده با اولیای دولت قاهره عرض
کند و موجب سوءه صاین قلعه را هم از مالیات آنجا برحسب قرار
داد دیوانی درست بدقت بدهد که نوکر و رعیت همه کی آسوده و بفراغ بال
مشغول کار خود باشند
در روز یکشنبه هفتم اینماه عالیجاه نیاز محرم فرستاده خان خیوق
وارد دار الخلافه طهران شد

عالیجاه مقرب الخاقان میرزا حسن خان وزیر نظام که بحکومت عراق
رفته بود امور آنجا را درست مضبوط و منظم ساخته و معاودت نموده
روز چهارشنبه هم وارد گردید

برای انضباط و انتظام امور چاپارخانها قرار شده بود که در دارالخلافه
طهران و سایر شهرهای معظم ایران چاپارخانهای مختصی ساخته
شود که بقاعده مستمره روز خروج چاپار هریک از تجار و سایر مردم
که خواسته باشند با چاپار کاغذ روانه نمایند بآن چاپارخانه آورده
بمباشر چاپارخانه بسپارند و در روز ورود چاپار هم آمده
هرکس کاغذی داشته باشد از آنجا گرفته ببرند که از پنجهه برای مردم
در گرفتن و دادن کاغذ خودشان عسرت و زحمت حاصل نشود
و رسانیدن کاغذ مردم بتعویق نیفتد و همچنین در جمیع منازل
عرض راه برای استراحت مردم چاپارخانها بسازند لکن بجهه کثرت
برف و برودت هوا بتعویق افتاد که بعد از خوب شدن هوا از اول
حوت ساخته شود

امورات قشونی

عالیجاه مقرب الخاقان مجعلی خان ماکوئی بمنصب میرپنجه کی مباهی و ممتاز شد
عالیجاه حسن خان یوزباشی پسر عالیجاه مقرب الخاقان فضلعلی خان
میرپنجه بمنصب سرهنگی مامور شد که رفته از اردبیل و مشکین یکفوج سرباز جدید
بگیرد و سابق براین حکم شده بود که یک فوج سرباز جدید از گردس گرفته شود
از قراریکه عالیجاه حسنعلی خان سرهنگ نوشته بود تمام شده است و حکم شد
که تا عیدنوروز برکاب همایون حاضر شوند

دو ماه قبل ازین حکم شده بود که در عراق از فراهان و گرّاز دو فوج جدید
گرفته شود این روزها از سرکردگان آنها خبر رسید که گرفته اند و تمام
شده است و بجهه کثرت برف نتوانسته اند مشغول مشق بشوند حکم شد که
در اوایل حوت در سلطان آباد حاضر شده مشغول مشق بشوند

عالیجاه کرکین خان پسر داود خان مامور شد که از ارامنه اصفهانی
که قدری سرباز داشتند حالا از قدیم و جدید یک فوج بگیرد که
صاحب منصب آنها هم از خود آنها بوده که هم مشغول نوکری
دولت باشند و هم در رعیتی و مالیات آنها خلل حاصل
نشود

پیش ازین حکم شده بود که از مراغه یک فوج جدید گرفته شود از
قراریکه عالیجاه جعفرقلیخان سرتیپ نوشته بود فوج مزبور گرفته
شده است و تمام است حکم شد که آن فوج را با فوج قدیم سیم مراغه
که ابواجمع عالیجاه مشارالیه هست حرکت داده برای بعد از
عید برکاب همایون بیاورد

اصلان سلطان از طایفه افشار خرقان در توپخانه مبارکه
سالها خدمت کرده بود نظر بملاحظه قدمت خدمت و قابلیت او را
در توپخانه مبارکه اولیای دولت قاهره منصب یاوری التفات فرمودند

قبل ازین حکم شده بود که از خلخال یک فوج سرباز جدید گرفته شود
این اوقات عالیجاه محمدعلیخان سرهنگ فوج مزبور مرخص بدربار
همایون نموده هشتصد نفر گرفته بود مجدداً حکم شد که معاودت نموده
سیصد نفر دیگر گرفته ملحق ساخته تا شب عید فوج را برداشته
بتبریز برود که در تبریز مشغول مشق باشند در روز دوشنبه ۸
خلعت با والتفات شده بمحل مأموریت خود رفت

سایر بلاد ممالک محروسه

ارومی نواب مصطفی قلی میرزا که از دربار همایون برای حکومت
ارومی مامور شده رفت بعد از رسیدن آنجا روزنامه که آمده بود
نوشته بودند که سرحدات آنصفحات در کمال امنیت و آسایش است

ونواب معزی الیه هم قرار دیوانخانه در آنجا داده اند علاوه بر آنکه صبح تا شام مشغول متوجه شدن امور خاص و عام است دیوانخانه عدالت هم برپا کرده اند که دادرسی فقرا و ضعفا شود

کرمان عالیجاه مقرب الخاقان عبدالله خان صارم الدوله امیر توپ شاهزاده موید الدوله طهماست میرزا حاکم کرمان با توپخانه و افواج ملایر و تویسرکان و قراگزلو و نوکر جیان زرینی و سیمانی و افشار با انتظام کرم سیرت کرمان مامور نموده اند و قشون مزبور در چهاردهم ماه ربیع الاول از کرمان حرکت کرده اند

عریضه مشعر بر اظهار ارادت و بندگی این دولت ابد مدت از محمد علی خان بمپوری که بواسطه وهمه از پارسال از بمپور گریخته بود و بتوسط عم خود دوست محمد خان رسیده و باد ملتجی شده و کمال عجز و انکسار و اظهار ندامت بسیار کرده بود بحاکم کرمان حکم شد که او را امیدواری داده بسر خدمت و نوکری و عزیمتی خود بیاورد

سابقا حکم شده بود که عالیجاه اسماعیل خان سرهنگ یکفوج سرباز جدید از کرمان بگیرد گرفته و تمام کرده اند که این اوقات همه روزه در کرمان مشغول مشق میباشند

در صفحات کرمان که معبر اشرار بلوچ است کمال امنیت حاصل است قافله ها و مترددین بدون صدمه و آسیب مرور میکنند این اوقات از خراسان هم قافله بزرگی بکرمان آمده است

و هم چنین روز سه شنبه از عالیجاه شیخعلی خان نایب الحکومه یزد هم پاره نوشتجات به تصدیق تجار آنجا رسیده که راههای یزد بکمال امنیت است و قافلها در کمال آسودگی تردد دارند و چندی پیشتر که آوازه آمدن اشرار بلوچ ما و رسید خود عالیجاه مشار الیه با جمعیتی مسیر راه ما نزدیکی طبس رفتند اثاری از بلوچ ندیده قافله معبری را

از راه طبس برداشته بمقصد رسانده بود و نوشته بود که عشایر خراسان ماه گذشته جمازه سوار جدیدا با میرزا حسین خان نایینی روانه دارالخلافه کرده که در آنجا سان حضور همیون را داده بسر خدمت و محافظت راهها مراجعت نمایند

مازندران و استراباد

در صفحات مازندران و استراباد کمال امنیت حاصل است و مردم نهایت آسایش را دارند نواب شاهزاده محمد تقی میرزا حاکم مازندران هم در انتظام امورات و ولایات متعلقه بخود بسیار ساعی میباشند سواره عبدالملکی و خواجه وند و نوکر طالش از این روزها بسیاری حضار نموده سان دیده مواجب داده مرخص نمودند

احوالات متفرقه

در روزنامه که در اسکندریه بمصر چاپ زده اند نوشته اند که عباس پاشا نایب السلطنه و حکمران مملکت مصر مدتی بود که بنا داشت در رود نیل در مصر علیا بندی ببندد که آب آن رودخانه موافق ایام قدیم بکل زمینهای مصر بنشیند چونکه زراعت همه ولایت مصر از آب رود نیل است و از آنزاه که مملکت مصر بسیار قدیم آباد است بلکه موافق اعتقاد علما که از تواریخ سر رشته دارند مملکت مزبور از همه آبادیهای روی زمین قدیمتر آباد بوده و درین سالهای فراوان که آب رود نیل بآن زمین جاری بود خاک در یک از رود مزبور بآن زمینها برده و زمین مرتفع شده است از آنجهة آب رودخانه مزبور حالا به بعضی جاها که سابق می نشست نمی نشیند و سبب دیگر کم آبادی مصر این است که خود آب رود نیل نسبت بایام قدیم حالا پایین نشسته است و در یکهزار دشت و بیابان لم یزرع آمده و روی زمینهای حاصل آور مصر اکرفته است چنانکه بعضی جاها که در قدیم بسیار حاصل خیز بوده

حالا بهیچ نمیرسد و باین دلایل حالا حاصل مملکت مصر نسبت بقدیم خیلی کمتر
متنزل کرده است لهذا پاشای مصر بسیار کوشش دارد که بلکه بندی در آن رودخانه
به بندد و مهندسان و اسباب از فرنگستان آورده است که بند مزبور را بسازند
هنوز بجهة زیاد بودن آب این بند ساخته نشده است و بسیار کار معظمی است
باز موافق کاغذ آخر که از آنجا آمد امید دارند که درین کار اقدام نمایند و تمام
کنند که مثل قدیم زراعت نمایند ما منتظر

اگرچه درین روزها آتش عظیم در شهر اسلامبول مثل بعضی اوقات
سابق نیفتاده است ولی باز دایم الاوقات کم و بیش خانه سوختن هست
که عثمانلو یا نقوش میکویند و در روزنامه آخر که از اسلامبول رسید
یک خانه در سمت محله جوهای آتش گرفته نظام آتش خاموش کن که در
آنجا دارند زود جمع شدند و آتش مذکور را خاموش کردند و در همان
روز نزدیک بعصر آتش در یک خانه نزدیک به آذرنه قاپی بروز کرد
و نظام آتش خاموش کن کمال کوشش و سعی را نموده که آتش را خاموش
کنند اما دوازده باب خانه سوخت آتش خاموش نشد

کشتیهای بخار که از ولایت نکلیس تا ینکی دنیا میروند درین روزها
بسیار شده و بازیت ساخته اند و این کشتیها بعضی مال تجار ینکی دنیا
و بعضی مال تجار نکلیس است بکار شکنی یکدیگر روز بروز کشتیهای مزبور را
بهتر میسازند و لجرت که میکویند خواه از ریاح و خواه از بار تجارتی از
یکدیگر از زان تر میکنند اینهمه صنعت خلق است مکر در اینکه در تند
راندن کشتی احتمال بشکست خوردن و غرق شدن و تلف شدن زیاد هست
که مکرر در راندن کشتی بخار در دریاها اینطور شده است

مدتی پیش از زین دولت نکلیس کشتیها بسمت قطب شمالی ینکی دنیا که تنگه
منحلست فرستاده اند و چند سال سابق برین نیز کشتیها با بخار داشته
کردند با منجمین و سایر دانایان و مهندسین و از آنوقت تا حال خبری

از آنها نیست و بکرات هم در عقب آنها با مداد شان کشتیها و کشتیبانها
فرستاده اند و چونکه از آنوقت که از ولایت نکلیس روانه شده اند تا
بود که در چند جای خشکی آن سمت از کشتی بیرون بیایند و کاغذی
که خبر از احوال آنها بدهد در آنجاها بگذارند کشتیها که در عقب آنها فرستاده
اند سعی و کوشش کرده اند که بآنجاها که معهود بوده بروند بلکه خبری
از آنها معلوم نمایند اکثر کشتیها که از ولایت نکلیس بعقب آنها رفته
اند اثری از آن کشتیها که قبل از ینها رفته بوده اند ندیده اند تا حال
یک کشتی که کشتی دولتی نبود و از آن کشتیها بود که سال بسال
به بحر منجمد بآنجا شکار ماهی بزرک میروند در کنار دریای آن سمت جائی
دیدند که اشخاصی در آنجا آتش روشن کرده و طعام پخته بودند و یک
پارچه طناب که از مال کشتیهای پادشاهی نکلیس بوده در آنجا
دیدند و چنین پنداشتند که اهل آن کشتیها که پیش از ینها رفته بوده اند
و خبری از آنها نبوده است بآنجا آمده اند و این نشان را در آنجا
کذاشته اند از اکثر دول دیکر هم که کشتیها بآن سمت میروند
حکم شده است که جویا بشوند بلکه خبری از آنها که دولت نکلیس اول
فرستاده است معلوم نمایند در نزدیکی قطب شمالی هیچ آبادی نیست
اکرچه بآنجا رفته اند اما بآن نزدیکیها رفته اند همه دریا یخ بسته است
و یخ در روی همه یکرها مانند کوهها در روی دریا پیداست این یخ
جاودانی است و بالاتر از درجه هفتاد عرض دنیا در پای مزبور هرکز
بی یخ نمی شود خواه تابستان و خواه زمستان همیشه یخ دارد اما
در خشکی نزدیک بآنجا که آب دریا همیشه یخ نمی بندد مردمانی
هستند مانند اهل جنکلی ینکی دنیا و چون که در زمینهای آنجا زراعت
نمیشود اکثر خوراکشان از شکار حیوانات بحری و بری است و
قدری هم از یخ علف میخورند که در آنجا پیدا میشود و دولت

بمیان آنها هم کسان فرستاده اند که از آنها تحقیق نمایند که شاید
در ساحل آن دریا که بوده اند از کشتیهای نکلیس که با نجا ها رفته اند
خبر داشته باشند اما از آنها نیز رفته تحقیق کرده اند اثری از کشتیهای
مزبور نیافته اند

در روزنامهای فرنگستان نوشته اند که ناخوشی وبا امسال در
مملکت حجاز بسیار مقاتل شده است و چند ماه سابق براین در سمت
شمال اقلیم افریقیا بعضی از شهرهای جنوب اوروپا هم بود اما
حالا رفع شده است و دیگر نیست

چرخ تابیدن پنبه و ساختن ریسمان در شهر منچستر ولایت نکلیس چنان
خوب ساخته اند که درین روزها یک پوند پنبه که وزن او نود و شش مثقال
بوزن ایران است نخ او پنجاه و نه فرسخ درازی بهم میرساند کسانی که
از صنعت تابیدن پنبه وقوف دارند میگویند که تا امروز پنبه از ین
باریکتر و نازکتر تابیده نشده است و باید چرخ و اسباب این کار را
بسیار خوب ساخته باشند تا باین باریکی و نازکی از پنبه نخ کشیده
بشود که نهایت متیاز را دارد

منجمان فرنگستان که بجهة کار خودشان دوربینهای بزرگ دارند که
در ده مناست مدتیست که معین کرده اند که ستاره زحل در دورش
دو حلقه دارد که بخود آن ستاره چسبیده نیست اما درین روزها
شخصی منجم در شهر باستان بنکی دنیای شمالی با دوربینهای بزرگ
که داشت یک حلقه دیگر هم دیده است که دور این ستاره سه حلقه دارد
و همطلب را بکل منجمین دنیا اعلام کرده است

در اکثر سالها خصوص در اواخر فصل پائیز و اوایل زمستان هوای شهر
لندن بسیار بارطوبت میشود و بخارها نمیگذارد برخیزد و چونکه اکثر آتش آنجا
از زغال سنگی است بخار زغال سنگی با هوای آنجا مخلوط میشود بطوریکه

اگر کسی در روز روشن در شهر بخواهد کتاب بخواند از کثرت بخار
بی چراغ نمیتواند امسال این بخار و تاریکی کمتر شده است اگر یکروز که در
اطاقها چراغ سوزانند و در کوچها هم فانوسهاکه در دیوارها
نصب است روشن کردند و در چنین روزها چونکه کالسکه و عرابه ها
را در کوچهای لندن بسرعت میرانند کالسکه بکالسکه و سوار بسوار
میخورد و بعضی اوقات هم آدم کشته میشود یا دست و پا شکسته
میشود و در رودخانه تمس هم کشتی بکشتی میخورد و بعضی شکسته و
غرق میشود اما نوشته اند که درین روزها چنین اتفاق افتاده است

بجهة سعید پاشا امیر قشون بحری پاشای مصر در شهر لندن کالسکه
ساخته اند که بسیار زینت دارد و کالسکه مزبور خیلی کوچک است
که دو اسب کوچک میتواند او را براه ببرد چونکه پاشای مزبور دایم الاوقات
مریض و ضعیف است این کالسکه را ساخته اند که در میان شهر هر وقت
از خانه خود بجای دیگر بخواهد برود سوار بشود و چنان سبک است
که اگر اسب نباشد چهار نفر آدم بآسانی حرکت میدهد و می برد

درین روزها برنجی که در مملکت فرانسه کاشته اند بعمل آورده
اند سابقا در ولایت فرانسه برنج کاشته نمی شد حال در
دهن رودخانه رون که از آنولایت میگذرد در چندین جا
که سابقا چمن بود و هیچ زراعت نمی شد این برنج را کاشته اند
و خیلی خوب بعمل آمده است و گمان دارند که این زراعت
شلتوک منفعت زیاد بجهة آن ولایت حاصل نماید